

گزارش سفر هیأت اعزامی به کشور هلند

رضا جعفری
معاون قضایی دادسرای تهران
قسمت سوم

■ دادگاه نوجوانان

صبح روز چهارشنبه ۸/۸/۸۱ به همت و مساعدت خانم بیکر اسپلینتر (Bakker-Splinter) قاضی دادگاه اطفال دیداری از دادگاه نوجوانان شهر اترخت (Utrecht) داشتیم. ساختمان دادگستری این شهر تحت تدابیر امنیتی شدیدی قرار داشت و عبور و مرور اشخاص به این ساختمان پس از کنترل‌های لازم امکان‌پذیر بود. به علت کمبود جا و برای گسترش ساختمان قدیمی دادگاه این شهر ساختمان مدرن و مناسبی در جوار ساختمان قبلی احداث شده بود که راهروها و درب اطاقها و کریدورها بسیار محکم و دره با کلیدهای مخصوصی باز و بسته می‌شد و در واقع برای جلوگیری از ورود افراد متفرقه به داخل اطاقها و جلسات دادگاهها از سیستم امنیتی خاصی استفاده کرده‌اند به عنوان مثال پس از ورود به راهرو از یک درب آهنی تا وقتی که این درب بسته نمی‌شد و به طور اتوماتیک قفل نمی‌گردید درب ورودی بعدی باز نمی‌شد و ورود به راهروها و اطاقها مستلزم داشتن کلید مخصوص و یا همراه بودن با یکی از کارکنان دادگستری بود که کلید مخصوص دارند. صحن دادگاه بسیار شیک و مرتب و مجهز به سیستم صوتی (میکروفون و بلندگو) و میز و صندلی زیبا بود و مساحت اطاق دادگاه در حدود ۵۰ تا ۶۰ مترمربع و دارای سقف بلند و نور کافی و طبیعی بود که از پنجره‌های شیشه‌ای به درون دادگاه می‌تابید. بر روی میز رئیس دادگاه و دادستان و منشی دادگاه هر کدام ماینور سطح مستطیل شکلی وجود دارد که اطلاعات

پرونده در آن نمایش داده می‌شود و هر وقت دادستان بخواهد پیشنهادی بدهد بدون اینکه رسماً حرفی بزند از طریق این صفحه کامپیوتری اعلام می‌نماید. مراجعین چندانی در محوطه ورودی و راهروها و سالن انتظار به چشم نمی‌خورد و به نظر می‌رسید که هر کس در سر وقت مقرر مراجعه می‌نماید و از ازدحام مراجعه کنندگان خبری نبود. در کنار میز رئیس دادگاه منشی دادگاه حضور داشت که هر دو ملبس به لباس بلند مشکی و دستمال سینه سفید بودند در سمت راست رئیس دادگاه میز دادستان قرار داشت که او هم ملبس به لباس بلند مشکی بود و در مقابل میز رئیس دادگاه یک میز برای متهم و وکیل او و میز دیگر برای نماینده سازمان تعلیق مجازات و یا سایر اشخاصی که حضورشان در دادگاه ضروری است تعبیه شده است بود در ردیف دوم و پشت سر متهم والدین متهم و یا گواهان مستقر می‌شوند.

رئیس دادگاه که مردی حدوداً ۵۰ تا ۵۵ ساله به نظر می‌رسید و آقای W. J. Nieuwenhuijsen نام داشت از وکیل متهم اجازه گرفت که هیأت ایرانی در جلسه دادگاه حاضر شوند. پس از اخذ اجازه ما به نیم طبقه بالا که مشرف به جلسه دادگاه بود و با یک دیوار شیشه‌ای از صحن دادگاه جدا می‌شد راهنمایی شدیم قبل از هر چیز رئیس دادگاه از متهم سؤال کرد که یک هیأت از دستگاه قضائی ایران برای بازدید از سیستم قضائی هلند آمده‌اند و می‌خواهند جلسه دادگاه را مشاهده نمایند از نظر شما اشکالی ندارد و متهم اعلام کرد خیر، مجدداً رئیس دادگاه

به متهم و وکیل وی اعلام کرد اجازه می‌دهید که هیأت ایرانی در جلسه دادگاه حاضر باشند و آنان در پاسخ اجازه دادند پس از آن رئیس دادگاه پرونده‌ای را که به صورت یک کتاب مرتب و صحافی و منظم شده بود باز کرد و محاکمه آغاز گردید:

خطاب به متهم - می‌توانم شما را به اسم کوچک صدا کنم؟ متهم - بله

دادگاه - فرات، طبق گزارش پلیس و اعدانامه دادستان اعلام شده است که درون یک اتوموبیل قطعه‌ای مربوط به کامپیوتر بوده و تو آن را سرقت کرده‌ای جریان چه بوده است؟

متهم ۱۷ ساله که فرات نام داشت و از مهاجرین ترک بود اعلام کرد من سرقت نکرده‌ام افراد دیگری سرقت کرده‌اند و من می‌خواستم آن دزد را بگیرم و او فرار کرد.

متهم - می‌خواستم به صاحبش برگردانم.

دادگاه - می‌خواستم به صاحبش برگردانم.

دادگاه - اگر تو دزدی نکرده‌ای چرا آن قطعه در دست تو بوده است؟

متهم - آن را از روی زمین برداشتم که به صاحبش مسترد کنم.

دادگاه - گزارش پلیس را خواند و شکایت شاکی را هم قرائت کرد و اظهارات شاهدان عینی را نیز قرائت نمود و گفت کسی که در مغازه کار می‌کرده و نزدیک اتوموبیل بوده است جریان را تعریف کرده و دیده است که دو نفر با دو چرخه موتوری آمده‌اند و اطراف اتوموبیل پرسه زده‌اند که توجه شاهد جلب شده و مشاهده کرده

که یکی از این دو نفر شیشه اتوموبیل را شکسته و رفته و نفر دوم - قطعه کامپیوتر را از درون اتوموبیل برداشته است که شاهد به اتفاق دوستش سارق را دستگیر کرده اند و متهم قطعه را انداخته و پلیس آمده و متهم را دستگیر کرده است. شاهد دیگر هم جریان امر را به همین شکل تعریف نموده است. متهم متکر این داستان شد و گفت که سرقت نکرده است.

دادگاه - چرا از عقب و پشت مغازه آمده ای؟

متهم - من وقتی صدای شکستن شیشه را شنیدم آدمم بیرون که این افراد را دستگیر کردند.

دادگاه - آقای دادستان سوآلی دارید؟

دادستان - خیر.

وکیل مدافع اظهار داشت: شهود نمی توانند صحیح گفته باشند چون داخل مغازه بوده اند و بعد از اینکه شیشه اتوموبیل شکسته شده بیرون آمده اند و قادر به چهره نگاری متهم هم نبوده اند و موکل از درب جانبی مغازه رفته است.

دادگاه - مگر درب دیگری هم وجود داشته است؟

وکیل - بله، موکل سه هفته دیگر ۱۸ ساله می شود و او سرقت نکرده است و شهود اشتباه کرده اند.

دادگاه خطاب به متهم - قبلاً محکومیت داشته ای یک بار برای رانندگی بی محابا مجبور شده ای که ۴۸ ساعت کار کنی، گزارشی هم از طرف شورای حمایت از کودکان هست که سال گذشته در پارک به عنوان مجازات جایگزین درخت قطع کرده ای و کار را هم خوب انجام داده ای و شورای مراقبت از کودکان گزارش کرده که چندین بار برای بازدید تو مراجعه نموده اند ولی حضور نداشته ای و گفته اند که به مدرسه رفته ای می خواهی چکار کنی؟

متهم - می خواهم به پلی تکنیک بروم و درس بخوانم. دادستان در جایگاه خود ایستاد و گفت حرف متهم را باور ندارم و حرف شهود را باور می کنم.

متهم - من سرقت نکردم.

دادستان - نوبت من است که حرف بزنم و شما بعداً حرف خواهید زد یک ربع ساعت متهم در درب عقب مغازه بوده و می توانسته از درب عقب برود و ضرورتی نداشته که از درب جلو برود.

وکیل متهم - تناقضات فراوانی در گفتار شهود وجود دارد. مورد به مورد این تناقضات را برشمرد که یکی گفته از درب راست ماشین بوده و دیگری گفته درب چپ اتوموبیل بوده یا اینکه یکی از شهود گفته از مغازه بیرون رفته بود در حالی که در جای دیگر می گوید از داخل مغازه جریان امر را دیده است یکی گفته همه بدون متهم در اتوموبیل بوده و جای دیگر گفته فقط دست متهم در داخل اتوموبیل بوده است بنابراین تناقضات عذیبه ای وجود دارد و اظهارات گواهان شبیه شهادت کذب می باشد.

دادگاه - آقای دادستان حرفی دارید؟

دادستان - خیر.

دادگاه - خطاب به متهم فرات آخرین دفاعات چیست؟
متهم - من سرقت نکرده ام و اگر کسی همدست من بوده باید پیدایش می کردند از طرفی اثر انگشت من روی

اتوموبیل نیست من فقط آن قطعه را در دست داشتم. **دادگاه -** دلائل کافی است شیشه اتوموبیل را به قصد سرقت شکسته ای و قطعه ای را برداشته ای و چون دفعه دوم است که مرتکب جرم می شوی به انجام ۶۰ ساعت کار اجباری محکوم می شوی و دو هفته وقت داری که تقاضای تجدیدنظر خواهی کنی و اگر تجدیدنظر نخواهی باید خود را به انجمن حمایت معرفی کنی.

زمان انجام این دادرسی و صدور حکم جمعاً بیست دقیقه طول کشید و دادگاه بلافاصله پرونده دیگری را برای دادرسی حاضر نمود و قبل از هر چیز از متهم و پدرش و وکیل او سؤال کرد که یک هیأت ایرانی آمده اند که در جلسه دادگاه ناظر دادرسی دادگاه باشند آیا اجازه می دهید که در جلسه حضور داشته باشند و قرار نیست که این حرفها در جایی زده شود. آنان اجازه حضور هیأت ما را دادند سپس دادگاه خطاب به متهم اعلام کرد آیا می توانم شما را به نام کوچک صدا کنم و متهم موافقت کرد که به نام کوچک نامیده شود متهم ۱۷ ساله اهل مراکش و عبدل نام داشت. دادستان

کیفرخواست زرد رنگی را قرائت نمود که حکایت از سرقت از درون اتوموبیل توسط متهم دارد و متهم بدو

آنان اجازه حضور هیأت ما را دادند سپس دادگاه خطاب به متهم اعلام کرد آیا می توانم شما را به نام کوچک صدا کنم و متهم موافقت کرد که به نام کوچک نامیده شود متهم ۱۷ ساله اهل مراکش و عبدل نام داشت

متکر سرقت شده و پس از اینکه با قاضی تحقیق بحث کرده اتهام را قبول نموده حالا هم قبول می کند دادگاه

خطاب به متهم چه اتوموبیلی بوده است؟

متهم - اتوموبیل بزرگ بود.

دادگاه - می دانی اتوموبیل متعلق به چی کسی بوده است؟

متهم - ابتدا نمی دانستم ولی بعداً شنیدم که این اتوموبیل مال پلیس است.

دادگاه - با عده ای از نوجوانان بوده ای؟

متهم - بله چند نفر بودیم.

دادگاه - چه موقع بود؟

متهم - بعد از ظهر بود.

دادگاه - اسامی کسانی را که با تو بودند بگو.

متهم - اشرف، موسی حمدان و ...

دادگاه - جریان امر را تعریف کن.

متهم - یکی از بچه ها اطراف اتوموبیل قدم می زد و گفت، چیزی درون این اتوموبیل است و بچه ها آمدند و آن چیز را داخل اتوموبیل دیدند.

دادگاه - تو کلاه بر سر داشتی؟

متهم - بله.

دادگاه - خودت سرقت کردی؟

متهم - بله.

دادگاه - می دانی که پلیس عمداً این کار را کرده بود و دوربین در اطراف گذاشته بود و فیلم نحوه سرقت از اتوموبیل موجود است.

متهم - من اشتباه کردم و کار احمقانه ای انجام دادم شایسته مجازات هستم ولی هرگز به مرکز نگهداری کودکان بر نمی گردم و درخواست می کنم که یک کار انجام بدهم.

دادگاه - به مدرسه می روی؟

متهم - بله ترتیب رفتن من به مدرسه داده شده است و ادامه تحصیل می دهم که اتومکانیک بخوانم و ۳ روز هم در هفته کار کنم.

دادگاه - قبلاً محکوم شده ای؟

متهم - بله قبلاً محکومیت دارم و کار کرده ام و کار را خوب انجام داده ام و در زمین بازی کودکان کار کرده ام. دادگاه سابقه متهم را قرائت کرد که چندین بار دستبرد به اتوموبیلها زده است و متهم اظهار داشت خیر اولین بار است.

خانمی که در پشت میز سمت چپ متهم نشسته و به عنوان مددکار از مرکز خدمات اجتماعی آمده بود

اظهار داشت نظر ما مثبت است چون هر وقت این پسر را خواسته ایم سرقرار حاضر شده است و نظارت کافی بر او داشته ایم و قبلاً مجازات تعلیقی داشته و تعلیق مجازات برای او خوب و مناسب است و نباید با آن بر و بچه های مراکشی مراد شده داشته باشد چون بچه های خوبی نیستند و باید در گروه و تیم دیگری وارد شود این پسر قابل اعتماد است و اصلاح پذیر می باشد.

دادگاه خطاب به متهم - می خواهی کار کنی؟

متهم - بله می خواهم کار آموزشی کنم و چون آموزش مکانیک دیده ام می خواهم همان آموزش را ادامه بدهم.

دادگاه - با پدرت صحبت کرده ای؟

متهم - بعد از این واقعه فقط یک بار والدینم را دیده ام.

مددکار - اقدامات نظارتی از ماه ژوئیه انجام شده ولی از ماه دسامبر گذشته خودش داوطلبانه همکاری می کرده است.

دادستان - اقدامات اصلاحی چندان مؤثر نبوده است و گزارشی از انجمن حمایت از کودکان است که متهم خیلی همکاری نکرده است.

مددکار - این موضوع مربوط به گذشته است و حالا خوب شده است.

دادگاه خطاب به پدر متهم - می دانی پسرت چکار کرده است؟

پدر متهم - چندان تسلطی به زبان هلندی ندارد می گوید بله به او می گویم برو کاری پیدا کن ولی او نمی رود.

دادگاه - پسرت به حرف تو گوش نمی دهد و از اتوموبیلها سرقت می کند آیا به این مددکار اعتماد داری؟

پدر متهم - بله

دادستان - مردم آن محل از گروهی که متهم

باز یافت، کارکردن در اماکن عمومی، کارکردن در جنگلها، کارکردن در زمین بازی کودکان، غذا دادن به حیوانات که این کارها بعضاً به تنهایی و یا به صورت گروهی انجام می شود.

۵- چون هدف از این کار کردنها کسب تجربه برای کودک خاصی است شورا نظارت می نماید که این تجربه ها مفید واقع شود و به شخصیت کودک هم لطمه نزنند لذا با این کودک خیلی عادی برخورد می شود و کسی متوجه نمی گردد که این کارها به خاطر مجازات است و کودکان مذکور با لباسهای عادی ظاهر می شوند و از کار کردن لذت می برند.

۶- جنبه آموزشی کارها به کودک تفهیم می شود و به او یادآوری می نمایند که عواقب کارهای نادرست چیست و چون کارهای مورد بحث مجانی است و در اوقات فراغت کودک اجراء می شود به او تفهیم می شود که در صورت تکرار جرم باید وقت خود را برای کار کردم مجانی هدر دهد و در واقع عبرت گیری

هماهنگ کننده بخش عمومی این شورا آقای میجرز (meijers) ضمن تشریح اهداف و وظایف این شورا اعلام داشتند که شورای مذکور وابسته به دادگستری بوده و در جهت حفظ صیانت حقوق کودکان فعالیت دارد زیرا اعتقاد دارند که کودکان باید خوب پرورش یابند و در آینده فرد مفید و صالحی برای جامعه باشند و چون به تنهایی قادر به حفظ حقوق خود نیستند چنانچه حقوق آنان به خطر بیفتد همه باید اقدامات جدی به عمل آورند و از آن کودک و حقوق از دست رفته اش حمایت کنند. ایشان مجموعه فعالیتها و اهداف شورای مورد بحث را چنین بیان نمودند:

۱- یکی از وظایف شورا این است که با تحقیقات خود سعی در کشف علل و انگیزه وقوع جرم دارد و در صورتی که علت یا علل بزهکاری اطفال معلوم شد درصدد رفع آن علل و جلوگیری از تکرار جرم برمی آید.

۲- چنانچه والدین اطفال از همدیگر جدا شوند و یا اینکه والدین قادر به نگهداری و حمایت از طفل خود نباشند این شورا وارد قضیه شده و از آن کودک حمایت و مراقبت می نماید.

۳- چنانچه پرونده طفل بزهکار به مرجع قضایی ارسال شد همزمان گزارشی از ما وقع به شورای مراقبت از کودکان ارسال می گردد و این شورا با بررسیهای همه جانبه خود اطلاعات و گزارشی جامعی از وضع زندگی و سابقه نوجوان خاصی تهیه نموده و در اختیار دادگاه اطفال قرار می دهد و پیشنهاد می شود که چه مجازاتی برای آن طفل متناسب است و معمولاً

قضات دادگاههای اطفال به این گزارشها ترتیب اثر می دهند و مجازات پیشنهادی را اعمال می کنند.

۴- چنانچه دادستان کودک بزهکار را مکلف به انجام کار به جای مجازاتهای دیگر نماید مراتب به شورای حمایت از کودکان اعلام می شود همچنین در صورتی که دادگاه تصمیم بگیرد که کودک بزهکار کار عام المنفعه و یا کارهایی شبیه اداره حالت انجام دهد مراتب به شورای حمایت از کودکان منعکس می شود تا بر عملکرد کودک خاصی نظارت نموده نتیجه حسب مورد به دادستان و یا دادگاه مربوط اعلام گردد و قاضی دادگاه معمولاً نوع کاری را که کودک باید انجام دهد معلوم نمی کند بلکه فقط تعیین می کند که کودک مذکور چند ساعت کار عام المنفعه انجام دهد و این شورای مراقبت از کودکان است که نوع کار را به تناسب وضعیت کودک و بزه که انجام داده است معلوم می نماید (گرچه قاضی دادگاه هم حق تعیین نوع کار را دارد) کارهایی که این قبیل کودکان معمولاً انجام می دهند عبارتند از کار کردن در بیمارستان (نظافت کردن)، کار کردن در کارگاه

سرقت کرده است احساس ناامنی می کردند و پلیس با هماهنگی دادستانی تصمیم گرفت که امنیت را برقرار کند و یک اتوموبیل در آن محل گذاشت و به وسیله دوربینهایی آن اتوموبیل را تحت کنترل قرار داد و فیلم می گرفت افراد گروه دور و بر اتوموبیل پرسه زدند و متهم از درون اتوموبیل سرقت کرد و پلیس پس از انجام سرقت توسط عدل وارد عمل شد و او را دستگیر کرد ابتدا عدل منکر قضیه گردید ولی وقتی که فیلم را دید اعتراف کرد و خواستار سه هفته بازداشت متهم با محاسبه هشت روز بازداشت قبلی وی می باشیم و درخواست می کنیم که یک هفته از مجازات وی تعلیق شود مشروط بر اینکه یک سال در فروشگاهها و اماکن شلوغ حاضر نشود.

متهم - ماه رمضان در پیش است و من نمی خواهم در مرکز نگهداری کودکان باشم و قبلاً هم آنجا بوده ام و چند کیلو وزن کم کرده ام.

وکیل متهم - تقاضا دارم مدت دوهفته حبس موکل به انجام کار تبدیل شود. دادگاه نهایتاً با صدور حکم متهم را به تحمل سه هفته حبس با احتساب ایام بازداشت قبلی (یک هفته) و تعلیق یک هفته از این حبسها محکوم نمود و قرار شد متهم پس از تحمل یک هفته حبس و قبل از ماه مبارک رمضان از زندان آزاد شود. از زمان شروع دادرسی تا پایان آن قریب نیم ساعت وقت سپری شد.

از خانم (A. H. Genitse) قاضی تحقیق دادگاه در دفتر دادگاه سوالاتی شد و ایشان در پاسخ اعلام داشتند: روزانه معمولاً ۵۰ نفر متهم برای تحقیق می آورند و در اطاق هایی از آنان تحقیق می شود که شیشه های این اطاقها یک طرفه است و از بیرون اطاق داخل آن دیده نمی شود و قرارهای بازداشت که قضات صادر می کنند ماهانه یک بار مورد بررسی مجدد قرار می گیرد و سه نفر قاضی در خصوص ادامه یا فک قرار بازداشت موقت تصمیم می گیرند. در هلند ۱۹ مجتمع قضایی وجود دارد که هر کدام یک بخش دادگاه اطفال دارند و برحسب نیاز در هر کدام چند قاضی تحقیق کار می کند و دادگاه اترخت پنج قاضی تحقیق دارد هر کدام از قضات تحقیق چهل ساعت در هفته کار می کنند. هلند دارای یک دیوان عالی کشور می باشد و پنج دادگاه فرجام دارد و هر قاضی تحقیق روزانه حدود ۱۲ فقره پرونده را رسیدگی می کند و جمعه ها و ایام تعطیل حتی تا ۲۰ فقره پرونده هم مورد رسیدگی قرار می دهند. احکام انتصاب قضات را ملکه هلند امضاء می کند و از طرف او منصوب می شوند. جمعیت اترخت حدود ۲۷۰ هزار نفر می باشد و دادگاه اطفال آن روزانه ۱۰ تا ۱۲ پرونده را مورد رسیدگی قرار می دهد.

■ شورای مراقبت و حمایت از کودکان

عصر روز چهارشنبه ۸/۸/۸۱ از سازمانی به نام شورای مراقبت و حمایت از کودکان (the Child Care and Protection Council) در شهر اترخت (Utrecht) بازدید کردیم



از عملکرد را به او یادآوری می نمایند.

۷- چنانچه کودک بزهکار، کارهای محوله را انجام نداد و یا در وقت مقرر حاضر نشد و یا با تأخیر حضور یافت مراتب به دادستان یا دادگاه اعلام می شود که با آن کودک برخورد قضایی نمایند. ۸- از وظایف مهم شورا این است که به دادگاه توصیه می نمایند که به جای انجام کار برای آن کودک یا نوجوانان بزهکار شکل خاصی از آموزشها ترتیب داده شود و چنانچه دادگاه این پیشنهاد را قبول کرد شورای مراقبت از کودکان برنامه آموزشی خاصی را با توجه به نوع بزه ارتكابی و با در نظر گرفتن شخصیت کودک و عوامل دیگر آموزشهای زیر اعمال می کند:

- آموزش مهارتهای اجتماعی
- آموزش اطلاعات رفتارهای جنسی متعادل
- آموزش نحوه کنترل خشم و احساسات خشن
- آگاهی از عواقب جرائم
- و پس از اتمام دوره آموزشی و یا انجام کار تنبیهی، گزارشی در مورد نحوه اجرای حکم به مرجع قضایی مربوط ارسال می گردد.